

❖ سخنی در باب منابع ❖

❖ نهضت علویان در طبرستان ❖

□ صالح پرگاری □

دانشگاه تربیت معلم

مقدمه

نهضت علویان طبرستان در میان رویدادهای تاریخ ایران پس از اسلام، سرآغازی برای یک رشته دگرگونی‌های بس در خور نگرش در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی بود. علویان با الگو گرفتن از حماسه خونین طف، در برابر بیدادگری‌ها و انحرافات خلفا، ایستادگی و مجاهدت‌های بسیار کردند، تا این که سرانجام، در جستجوی کانون‌های مبارزاتی و در عین حال دور از تعرض حکام اموی و عباسی به طبرستان که به اقتضای موقعیت خاص آن، پناهگاه مبارزین و مجاهدین به‌شمار می‌رفت، روی آوردند و با استفاده از زمینه مساعد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منطقه، نخستین حکومت مستقل شیعی را در ایران به سال ۲۵۰ هجری تشکیل دادند، که بیش از یک قرن منطقه را دستخوش تحرکات و تطورات گوناگون ساخت. علویان در طی این مدت با فراهم آوردن موجبات نفوذ قطعی اسلام در آن سرزمین، به مهمی که تا آن زمان انجام نگرفته بود، جامه عمل پوشاندند.

درباره نهضت علویان در طبرستان با این که نقش بسزائی در عصر خویش ایفا کردند و بیش از نیم قرن اداره امور طبرستان را در عهده داشتند. منابع زیادی در اختیار نیست. علت این امر در درجه اول به موقعیت جغرافیایی این سرزمین مربوط می شود. محصور بودن این منطقه در میان رشته کوه های البرز و دریای مازندران یکی از موجبات عدم توجه به تاریخ این سامان بوده است. اما در خصوص علویان طبرستان افزون بر آن باید عدم توجه مورخین جهان اسلام خلافت، به علویان طبرستان را خاطر نشان ساخت. زیرا خلفا و حکومت هایی که مشروعیت خویش را از ایشان کسب می کردند، یا نسبت به نهضت علویان طبرستان عداوت داشتند یا این که نسبت بدان بی مهری می ورزیدند.

به همین منظور مورخان درباره احوال علویان طبرستان یا چیزی ننوشتند یا این که در مطاوی نقل وقایع حکومت های همزمان با ایشان به ندرت و به طور پراکنده اشاراتی بدان داشتند. ضمناً به این نکته هم باید توجه نمود که علویان طبرستان خود نیز برای ثبت و ضبط حوادث ایام خویش اقدامی نکردند. به هر صورت در میان تاریخ های عمومی و اختصاصی، اطلاعات پراکنده ای راجع به این نهضت به دست می آید. در این نوشته ضمن معرفی و نقد این دسته از منابع، میزان سودمندی آنها برای پژوهش در تاریخ علویان طبرستان، نیز مورد ارزیابی قرار می گیرد.

تاریخ های عمومی

قدیمترین منبعی که جنبه تاریخ عمومی دارد، کتاب تاریخ الامم و الملوک، تألیف محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ هـ) است. وی در آمل زاده شد و بهنگام شروع نهضت علویان در سنینی بود^(۱) که حوادث آن را بخوبی درک می کرد و می توانست مطالب فراوانی از وقایع مربوط به نهضت را در تألیف خویش گزارش

کند؛ ولی با این همه در کتاب خویش که شکل سالنامه نگاری دارد و بیش از ۵۰ سال از حوادث مربوط به نهضت را می‌توانسته شامل شود (شروع نهضت سال ۲۵۰ هجری است و تاریخ طبری وقایع را تا سال ۳۰۲ هجری نقل کرده است)، خیلی کمتر از آن چه انتظار می‌رود به وقایع سرزمین طبرستان پرداخته است. نوع نگرش او نسبت به شورش‌های ضد خلافت در نحوه گزارش او از این شورش‌ها مؤثر بوده است. وی به علت تعلقاتی که نسبت به دستگاه خلافت داشت و خلفاء را اولوالامر می‌دانست، نسبت به انقلابات و نهضت‌هایی - نظیر نهضت مورد بحث - که بر ضد حاکمیت دستگاه خلافت رخ می‌داد، بدبین بود و از آنها با عنوان «فتنه» یاد کرده است. وی برای بدنام کردن نهضت علویان در طبرستان، آن دسته از مردم شهر آمل را که در آغاز نهضت به داعی کبیر پیوستند، از جمله «غارثیان و فتنه جویان و اوباش و چهار پاداران»^(۲) معرفی می‌کند. البته در استفاده از تاریخ طبری باید به نگرش وی توجه کرد. طبری بنا بر روش خود، هر چه به زمان خویش و اواخر تألیف خود نزدیک می‌شود، بیشتر به اختصار می‌پردازد، ولی به هر حال نوشته‌های او حاوی پاره‌ای اطلاعات نسبتاً ارزشمند است. محمد بن عبد الملک همدانی (متوفی ۵۱۵ هـ) در ذیلی بر تاریخ طبری - تکمله تاریخ الطبری - همان شیوه اختصار اواخر تألیف طبری را در نقل وقایع تاریخی تا سال ۳۶۷ هجری دنبال کرد. اما او حتی کمتر از طبری به علویان طبرستان توجه نمود.

احمد بن واضح یعقوبی (متوفی ۲۸۴ هـ) در کتاب تاریخ خویش که جنبه تاریخ عمومی دارد، وقایع تاریخی را تا سال ۲۵۹ هجری به اختصار نقل کرده است. با وجودی که حوادث مهم آغاز نهضت علویان طبرستان می‌توانسته در تألیف وی جای گیرد، لیکن معلوم نیست به چه علت وی که دارای گرایش شیعی بود، هیچ بادی از این نهضت نکرد.

علی بن حسین مسعودی (متوفی ۳۴۵ هـ) در تاریخ عمومی خویش مروج الذهب ضمن بحث در باب تاریخ خلفا به نهضت‌های مختلف علویان، به طور اختصار

پرداخته است و به مناسبت، به علویان طبرستان نیز اشارات بسیار مختصر نموده است. حمزه اصفهانی در کتاب **تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء** که در سال ۳۵۰ هجری نگاشته، بیشتر به تقویم تاریخی حوادث و طول مدت حکومت‌ها از جمله علویان طبرستان توجه کرده است. او در بعضی موارد حتی اسامی روزهای هفته با ضبط دقیق ماه به تقویم خورشیدی همراه با سال آن با تقویم هجری قمری آورده است. مؤلف ناشناخته **مجمل التواریخ و القصص** که آن را در سال ۵۲۰ هجری تألیف کرده است بیشترین اطلاعات خود را از **تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء** برگرفته و از تاریخ طبری و همچنین **تکملة آن** نیز بهره گرفته است. در این اثر اشارات اندکی درباره علویان طبرستان وجود دارد. در کتاب **اخبار الطوال** ابو حنیفه احمد بن داود دینوری (متوفی ۲۸۲ ه) هر چند راجع به علویان طبرستان فایده‌ای به دست نمی‌آید، ولی در جنبه‌های تاریخ عمومی این عصر مفید است.

ابو سعید عبد الحی گردیزی در حدود سال ۴۴۳ هجری کتاب **زین الاخبار** را در چهار بخش جدای از هم تألیف کرد.

بخش نخست این کتاب جنبه تاریخ عمومی دارد. گردیزی در بحث راجع به خلفا مطالب ارزشمندی درباره نهضت‌های ضد خلافت ارائه کرده و به تناسب به نهضت‌های علویان نیز اشاره دارد. در بخش دوم، نویسنده توجه خود را معطوف به تاریخ خراسان ساخته و می‌توان مطالبی درباره مناسبات علویان طبرستان با طاهریان و صفاریان و سامانیان در آن یافت. گردیزی در بحث‌های مربوط به غزنویان جانب سلاطین غزنوی را رعایت کرده است، ولی در موضوعات مزبور گرایش خاصی در نوشته‌های وی دیده نمی‌شود. وی در بخش‌های دیگر به «اندر اسباب عیدها» و «اندر معارف و انساب» ترکان و رومیان و هندوان پرداخته که برای تحقیق درباره نهضت علویان در طبرستان چندان مفید نیست.

در میان تاریخ‌های عمومی کتاب **الکامل فی التاریخ** نگاشته ابن اثیر (متوفی ۶۳۰ ه) حاوی اطلاعات نسبتاً مفصل‌تری است. بیشتر مطالب این کتاب تا اواخر قرن

سوم هجری برگرفته از تاریخ طبری است، لیکن به لحاظ منابع دیگری که مؤلف در اختیار داشته، کتاب تاریخ وی حاوی آگاهی‌های مفیدتری است. ابن اثیر برخلاف طبری هر چه به زمان خود نزدیک‌تر می‌شود. تفصیل بیشتری از وقایع ارائه می‌دهد. وی که نزد اتابکان موصل می‌زیسته، نسبت به خلفای عباسی کمتر از طبری تعصب ورزیده و به همین علت گزارش‌های وی درباره علویان صادقانه‌تر از طبری می‌نماید.

خواندمیر در حبیب السیر (تألیف ۹۳۰ هـ) فصلی را به علویان طبرستان اختصاص داده است. وی از اصل کتاب التاجی فی اخبار الدوله الدیلمیه نگاشته ابو سحاق ابراهیم بن هلال صابی و همچنین از کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیر الدین مرعشی سود جسته است. از آن جایی که اصل کتاب التاجی اکنون موجود نیست و فوایدی از آن در این منبع یافت می‌شود، این منبع با وجود تأخر زمانی دارای اهمیت می‌باشد. ابن خلدون (متوفی ۸۰۸ هـ) نیز به مناسبت مطالبی راجع به این نهضت در تاریخ خویش نقل کرده است. اکثر مطالب وی، تکرار منابع دیگر از جمله تاریخ طبری و کامل ابن اثیر است. یکی از منابع وی کتاب التاجی بوده، و به همین علت اطلاعات او در پاره‌ای موارد خالی از فایده نیست. تاریخ جهان اراکه در سال ۹۵۹ هجری توسط قاضی احمد غفاری قزوینی تألیف شده است، به علت این که مطالب منابع پیش از خود را - حبیب السیر - عیناً تکرار نموده، چندان مفید نیست.

تاریخ اختصاصی

در میان منابع موجود، تقریباً هیچ منبعی به طور اختصاصی به تاریخ نهضت علویان طبرستان نپرداخته است. ابو اسحاق ابراهیم بن هلال صابی که در دیوان

رسائل آل بویه اشتغال داشت (۳) در سال ۳۷۰ هجری تألیف کتابی با عنوان التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیه را برای عضد الدوله دیلمی آغاز نمود. (۴) و در آن برای تبیین ریشه‌های پیدایش آل بویه بناچار به نهضت علویان طبرستان نیز پرداخت. از آن جایی که ابواسحاق در ستایش از آل بویه، تاریخ می‌نوشت، در بحث راجع به علویان از سرداران گیل و دیلم تمجید بسیار نموده است. این کتاب تا قرن دهم هجری که خواند میر از آن با عنوان التاج نام برده، وجود داشته است، (۵) لیکن اکنون فقط مختصر آن با عنوان کتاب المنتزع من الجزء الاول من الکتاب المعروف بالتاجی فی اخبار الدوله الدیلمیه در کتابخانه متوکلیه یمن وجود دارد. این نسخه خطی به همراه هفت نسخه خطی دیگر مربوط به علویان طبرستان به کوشش ویلفرد مادلونگ در مجموعه‌ای به نام اخبار ائمه الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان به سال ۱۹۸۷ میلادی در بیروت به چاپ رسیده است. محمد صابر خان پیش از این که مادلونگ این مجموعه را به چاپ برساند، در مقاله‌ای نسخه خطی تلخیص کتاب التاجی را معرفی نمود. در آن مقاله وی تلخیص کننده آن را فردی معتقد به مذهب شیعه زیدی دانست که در درجه اول به رهبران علوی دیلم و جیلان توجه داشت. (۶) به هر حال در متن حاضر حکایاتی در مهمان نوازی و شجاعت و بخشندگی دیلمیان - که آل بویه نیز از ایشان بودند - آمده است و مؤلف در مناسبات میان دیلمیان با خلفای عباسی و طاهریان و صفاریان و سامانیان جانب دیلمیان را گرفته است.

پاورقی‌ها

- ۱- یاقوت حموی در معجم الادباء می‌نویسد که طبری در اول سال ۲۲۵ هجری متولد و در سال ۳۱۰ هجری درگذشت. ر.ک. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱۸، چاپ سوم، دارالفکر، ۱۴۰۰/هـ / ۱۹۸۰/م، ص ۴۰.
- ۲- «و انتقض الیه کل طالب نهی و مُرید فتنه من الصعاليک و الحوزیة و غیرهم»: ن.ک. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۹، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ چهارم، قاهره، دارالمعارف، (بی تا). ص ۲۷۴.
- ۳- محمد بن عبد الملک همدانی، تکمله تاریخ طبری، رویدادهای سال ۲۴۹ هجری.
- 4- M.S. Khan, "a Manuscript of an Epitome of al-Sabi's Kitab al-Tagi", arabica Vol.12, 1965, P.33.
- ۵- غیاث الدین خواندمیر، حبیب السیر، ج ۲، زیر نظر دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳، ص ۴۲۱ و ۴۲۷. ابوریحان بیرونی نیز از آن کتاب با عنوان «التاج» یاد کرده است. ر.ک. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۶.
6. M.S. Khan, op. Cit. P.42.